

راجع باطوار علی

خدمت مدیر روشن ضمیر چهره
حجیم دامت بقیه
محرمانه زحمت میدهده سواد مرسله
حواوی بعضی توضیحات راجع بمقاله
در شماره اخیر عصر حدیث است
با تقدیم مدارد چنانکه صلاح بمآئید برای
ملاع هم کیشان محترم در جریده فریده
بملاحظه فرمائید احترامات قایم را تقدیم مینماید
ش . ه . یوسف رخسار
آقای مدیر محترم جریده شریفه
صاحب حدیث دامت بقیه محترمانه زحمت
مبارکنا میشود در شماره ۳۳ جریده شریفه
با کمال احترامی در تحت عنوان اطوار ملی کاتبی
جناب فرمود بود نویسنده محترم مقاله بعضی
واریتهای را نموده اند که شاید ناشی
اعتدال عدم اطلاع کافی از تاریخ بان اسرائیل
مباشرت چنانچه صلاح بدانید برای رفع سوء
نظنی تمام قانون عظام در شماره آتی جریده
اریفه درج فرمائید
برال . اولاً اینکه کلمه یهودی را عربی
مورد نموده وبمعنی هدایت ترجمه نموده
باید بدانیم که این اشتباه باشد چون کلمه
یودی عبری و بمعنی اهالی یهودیه است
۴۴۹ یودییه قسمتی از فلسطین است که در
بندست اقتدار و سلطنت پادشاهان یهودا
بود و کلمه یهودی هم در کتاب مقدس
بازبان عبری است مکرر استعمال شده
این نقطه نظر عربی هم که ملاحظه شود
ظانر باینست که در اصل کلمه است ه قاع الفعل
عین الفعلی لازم الفعل است در صورتی
که در یهودی اصل کلام قرش
بمعنی فاعل الفعل ه عین الفعل ه لام الفعل
جواب میشود بنابراین نمیتوان یهود را
بنویسند و کلمه یهودی تصور کرد
بیا اینکه جهود را بمعنی مکر ترجمه
ده اند جهود بمعنی جدو جهود کننده
فدالت نه مکر چون برای عقیده جودشان
بوده و جدو جهود مینمودند
ثالثاً بعضی اختلافاتی به یهودیان

(سفاراد) و (اشکناز) نسبت داده
اند باید خاطر نشان نمود که اختلاف
عقیده مذهبی مابین این دو لفظ وجود
ندارد و علت آنکه یسه این دو اسم
نامیده شده اند این است بمآز آنکه
رومیها به یهودیه غلبه نموده بیت المقدس
را خراب کردند يك عده از یهودیان به
مملکت اسپانول مهاجرت نموده و عده
دیگر به مملکت آلمان رهسپار گردیدند
و چون بزبان عبری مملکت اسپانول را
سفاراد و مملکت آلمان را اشکناز مینامند
لذا آن عده را که در اسپانیا مقوطن
شده سفارادیم و آن عده را که در آلمان
مقوطن شده اشکنازیم نامیدند و اندک
اختلاف عقیده مابین انسان وجود ندارد
فقط این دو قوه از طریق تلفظ نمودن
زبان عبری از هم دبکتر تمیز داده
میشوند
اما راجع بقرائیم که نوشته اند
فقط سفر آخر تورات را متبر و از جانب
خدا میدانند اینهم اشتباه است چون
قرائیم علاوه پنج سفر تورات به کتب
النباء هم معتقد هستیم فقط به احادیث و
تفسیرات علماء عقیده نداریم
اینست مرقوم فرموده اید نزدیک
به دو هزار سال است که ادعیه و مناجات
ملت یهود منحصر به آرزوی استقلال
خودشان است البته تصدیق خواهم پذیرد
که همین امید است که در مدت بیست قرن
ملت یهود را زنده نگاه داشته و در مقابل
ظالمات و بی عدالتی ها و جور و ستم
های کوناگون آنها را استقامت داد و حال
عقربند است که بزوزی خود قایل گردند
نویسنده مقاله مزبور با کمال ای انصافی
اجاجت و عناد را به مات یهود تسبیح
دهد و علت منع بودن سبیه را برای
مخالفت با سایرین میدانند دو صورتی که
خود نویسنده در چند سطر دیگر از مقاله
خود اعتراف میکند که حجاب خالی زن
های یهود بواسطه معاشرت با مسلمان ها

پیدا شده پس معلوم میشود یهودی ها
در آداب و رسوم خود اجاجت ندارند
چون هر کدام در هر مملکتی که مقوطن
شده اند تقریباً مثل اهالی آن مملکت
رفتار مینمایند مگر در مسائلی که قوانین
مذهبی به آنها اجازه ندهد
راجع باز دو جاب صیفه حضرت مرسى
در تورات هیچ اشاره بان فرموده هان
طور که نهی نموده حلال هم نموده
ممکن است تصور کرد که در اوایل این
قسم ازدواج طابین یهود معمول بود اما
چون علماء یی بمعایب آن (از برای
ملت یهود) برده این عمل را منع نمودند
راجع بسار مسائل در موقع دیگری که
مقتضی باشد چنانچه اجازه فرمائید توضیح
خواهم داد
ش . ی . ه . رخسار

از جریده خنده قل و با جزئی تحریفی
درج کردید

فکاهیات

از مقالات وارده

از خرداندکان محترم این مقاله تمنا
داویم که در موقع خواندن (اوهوری
بیا صحیح است) ناف های خود را نشان
دهند
حجیم
کمیون انتخابات
برای تشریح این جلسه هم مجبوریم
اول وضیعت و هویت اعضاء آن را گوش
زد کنیم
رئیس - شخصی است قطور به
طوری که فضای يك صندلی استقامت جسد
او را نمیتکند و یابی واسطه از نشستن روی
صندلی بزارو چوبهاتمه روی مهر وسط
جلسه نشسته و مای خورد را که بیشتر

شبهه به قحماق کج کوبی بود روی دوش
گذاشته بود
مخبر - آدم پست قد و دارای
صدای آهسته بود و برای این که صدای
خود را بعضا برساند بوق حمامی را در
دهن گذاشته و اینك خود را که بیک
طنابی بسته بود چشم گذاشت
منشی - بواسطه ریش بلندی که
داشت احتیاج یقلم گذاشت و همان ریش
را مجاله کرده و در دست گرفته و بجای
یاد داشت کتاب موش کره را از میان
کمر بند خود بیرون کشید
اعضا - چهار نفر معمم و يك
آلهی کازپیری خوایش برده و يك عضو
دیگری بود که معلوم نبود سرش عمامه
یا کلاه است
رئیس در حلقی که ناشی از
زیر پیراهن کوتاه و وسط قیاس نمایان
شده و بند شلوارش حرکت میکرد طرف
راست عبا از دوشش افتاد بوسیله تقری
بخیر رسمیت کبیسوز را اطلاع و مخبر
بالای یکی از صندلی ها رفته و بادی بیوق
انداخت
وکل بهره مرد که به چاره خواب
خوشی مبدید بخمال این که حمام باز شده
است صورت خود را با چشمان نیمه باز
بطرف در کرد و فریاد کرد بچه ها نك
و قدیفه حاضر نشد و قبل از این که
نتیجه امر خود را مشاهده نماید مشغول
کدن سرداری و آلتخاک گردید
يك نفر عضو معمم بنصورت این که
ساز شروع شده است از تکتن دست راست
را اول بچراک آورده سپس صندلی را
از زیر خود کشیده و روی زانو گذاشته
و یضرب کرتن شروع نمود سه عضو
دیگر با چهره های خندان مشغول رقص
شدند و باین کیفیت کمیون انتخابات رسمیت
خود را اعلان کرد
رئیس - اول لازم است که آداب

واسول رای گرفتن را بافیان کوشزد نمایم
نطق کردن بایستی مقنا و مسجع و از
هذج و حاتم با رعایت مخرج حروف
و کلمات و شبیه به نثر منظوم بوده باشد
و در سر هر بندی بایستی این شعر گفته
شود (او هوی بیا صحیح است) و در
موقع ادبی اولین کلمه این شعر بایستی
نظمها نگان خورده و يك لری شبیه
بقشیریه بر وجود مستولی گردد
تمام گفته شد (او هوی بیا صحیح
است) . . . معمم ضرب گیر ایها الناس
انتخابات . . . انتخاب . . .
اعضا - او هوی بیا صحیح است
ضرب گیر
من حریص الو اکلام . . . من رئیس
القریب . . . تمام اعضای - او هوی بیا
صحیح است . . . مخبر - در این دوره
وکالت . . . بدارت بایم . . .
ارهوری بیا صحیح است . . .
یکی از اعضا -
برای گفتن عم و صناعت . . .
جوابگیری ز آزادی ملت . . .
شود این گونه فکرم با حرارت
که باید شرط بشودن قام
یک مرتبه رئیس دو بالای بهز شروع
بچرخ زدن نمود و بدستهای خود بروی
طبل شک کوبید و مخبر باد های پی در پی
در بوق کرد و حویص الو کلا شدت
هرچه تمامت روی صندلی ضرب گرفت
و اعضا شروع برقصیدن نمودند پیر مرد
هم که پیراهن خود را بخمال حمام کنده
بود ناف خود را بزرمت آنگان داده و
فریاد گان با تفاق سایر آقایان گفتند . . .
اوهوری بیا صحیح است . . . اوهوری بیا صحیح
است . . .
عضو غیر معلوم که قا آنوقت
دخالت در مذاکرات نکرده و مشغول کشیدن
چیق بود صدا زد اقامت کم نباشد . . .
مرا هر وکالت غم نباشد . . . فریاد
حاضر بلند شد . . .

خلاصه این طرز مذاخه عجب که استرهای
نظار گرفته بود از اینجهت بود که او مظهر
ابت دائره ارکان حرب بود و گر نه حرکات اولیه
زهری نشان میدهده که او ابتدا این خپال را
نه است زیرا اگر این بیانات را علناً میتوانست
بمعنی بگوید که بوردرو را موافق اوامر
باین خود نوشته ام دیگر لزوم نداشت که این
ارات را برود در لندی بنماید .
هائری و استرهای هر دو از اینک مسئله
نه شدن بوردرو بدارقوس منطاب شد خیلی
ناده نمودند اینها علاوه از اینکه مسئله درفوس
آنها را خلاص کرد استفاده مادی زیادی هم از
عمل کردند زیرا قسمت زیاد وجوهائیکه
انبات مجرمت درفوس مصرف میشد بخود
ی طاب میکردید .
در وقتیکه جراید قضیه تصهیم وزارت جنگ
جمع بسلامت درفوس بدحاکمات نظامی یعنی خپرداند
۸ نوامبر مادام درفوس نزد وزیر جنگ رفته
بمقتضیات جراید درباره شوهرش اعتراض کرده
ظهار نمود که او حاضر است قمار کردن شوهر

خود غیر صرف و طانلانه اداره کردن او احوال
خودش را که تاکنون حتی دست به مچانغ بهزیه
اوهم نزده است ثابت نماید .
در این اثنا شنبه شد که متر (ادکار
دوماث) از وکلای دسوی پاریس مدافعه متهم
را بعهده گرفته است مسبو (بوگسون دورمشوبل)
راپرت نویس شیمه اول ارکان حرب نیز بسرعت
تحقیقات خود را ادامه میداده .
از مندرجات چند روز پیش جراید چنین
معلوم بود که سرعت اجرای محاکمه خواسته میشد
در صورتیکه در اینموقع يك نوع بطوانی درکار
ظلمی بود ه هائری و دویانی دوکلام از نرس اینک
مبادا ارکان حرب بفرته درفوس را صادر کنند
دنیقه ای از جستجوی دلایل مشبهه برای عریمت
درفوس غفلت نمیکردند .
ژنرال مرسیه از نتایج عجیبه تسلیم خود
به پست ارکان حرب برخلاف وظایف رسمی خویش و حقوق
صریحه صاحب منصب تویف شده افکار و نظریات
خود را پیش مخبرین جراید ابراز و اظهار مینمود
احتمال دارد که درفوس بجیس مرید محکوم گردد .

شماره های مورخه روز ۱۵ نوامبر جراید
ژورنال و ساتن عین بیانات ژنرال مرسیه را درج
بعد از چند روز دیگر روزنامه (فیکارو) شرح
ملاقات مخبر خود را با وزیر جنگ انتشار داد .
اگرچه در آن اثنا شایعانی راجع باینکه درفوس
از شرکای جرم (سهوبل) بوده است انتشار یافت
وای وزارت جنگ این روایا ترا تگذیب نمود .
ژنرال مرسیه با اینکه در اواسط نوامبر
اظهار کرده بود که تحقیقات کار منتهی در عرض
هشت روز خاتمه می یابد معذک تا ۱۵ دسامبر طول
کشیده یعنی درست یکماه تمام گذشته و هنوز این
تحقیقات تمام نشده بود ، بالاخره فقط در ۱۹
دسامبر توانستند شروع بمحاکمه نمایند در
صورتیکه دورمشوبل راپرت نویس شعبه اول
محکمه نظامی عین راپرت دویانی دوکلام را قبول
کرده و بنا براین برای تحقیقات اینهمه وقت لازم
نمود .
عجیباً آیا در ظرف این یکماه چه کار کرده
بودند ؟
در ظرف این یکماه خیلی کارها صورت گرفته

بود : هائری در اینمدت کوشش کرده بود که
دوسیه درفوس را باوراق ساسه های که محکومیت
درفوس را بسایک صورت معقولانه خاتمه دهند
پر نماید .
مسئله درفوس از حالت جاسوسی معمولی
خارج شده و رنگ سیاسی بخود گرفته بود بعقیده
هائری مسئله درفوس دارای اهمیت مخصوصی بوده
و اساساً برای او مسئله حیات و ممات محسوب
میشد زیرا اوخط نویسنده بوردرو یعنی مباشر
عمل جاسوسی استرهای را شناخته با اینکه این
قضیه را مخفی داشته بود - کرجه تا آنوقت کسی
نمیدانست - معذک شریک جرم او بود اکثر
نمی توانست شریک جرم خود را خلاص کند معذک
و مخاطراتی از قبیل محروم شدن از شغل خود
در شعبه دویم ارکان حرب که اینهمه استفاده از آن
مینمود و حتی طاق شدن اصل مسئله یعنی معلوم
شدن صاحب منصب ارکان حرب که اصل جاسوس
او خودش میباشد موجود بودند .



اخطار

نظر باینکه مشتریان محترم از پرداخت وجه آبروه تمایل نمودند ماناچار شدیم که عجاله نامه هجیم را بازده روز یک مرتبه انتشار دهیم و چون احساس شد که عده اشخاصی که لباقت و قابلیت خواندن روزنامه را داشته باشند بازده مکتبی نیست مانتصیم گرفته بودیم که روز نامه را تعطیل و طلب مشتریان را پردازیم . اما بواسطه تقاضای عده از جوانان منورالفکر و ملت دوست قرار برین شد که تا آخر سال روز نامه را انتشار دهیم اگر چنانچه در این بین ملت لباقت خود را باقیات رسانند ما هم پرتعداد روزنامه افزوده و کاملاً دین خود را ادا نمایم و اما اگر بر خلاف انتظار واقع گردید آخر سال بحساب مشتریان وسپسگی نموده پس از وضع طلب اداره بقیه حق آنها را خواهیم پرداخت

خدمت ذی شرافت مدیر محترم جریده هجیم دام اقباله

برای شرکت در مقاصد کمیته اتحاد شرق و حصول آمال مفیده آن معنی است پانزده ضمیمه را که حاوی سهام اتحاد شرق است در یکی از اوقات آن نامه ملی درج و کارکنان این مؤسسه را قرین امتنان فرمائید

مرام کمیته اتحاد شرق

اصل اول کمیته اتحاد شرق طرفدار حکمت ملی و تکامل طرق آزادی از اجرای قانون اساسی ممالک و صحنه عمومی و بسط معارف و اشاعه مطبوعات عام المنفعه در تمام ایران میباشد

اصل دوم کمیته اقتصاد شرق خواهد نمود که در تمام مملکت اهالی ایران از حقوق مشروعه ملی خرد بهره مند بوده و در امور ملیه و سیاسیه تمام طبقات ذی فنع باشند باین معنی که انجمنهای ولایتی در تمام ایران دایر و در امور بلدی صحنه و انتخاباتیه و معارف اهل مر جایی مستقیماً دخیل بوده مرتبیبی که دولت در هر عمل اتخاذ مینماید باطلاع و نظاریات و مؤسسات قانونی ملی آن عمل بوده باشد

اصل سوم کمیته اتحاد شرق نسبت بنسبم تشکیلات حزبی و ملی خوش بین بوده در مصالح عمومی از تمام عناصر عضو آن تشکیلات استعداد و استعانت مینماید

اصل چهارم کمیته اتحاد شرق خواستار اتحاد عالم اسلام بوده و میگوید تا شورای عالی مسلمین از نمایندگان اسلامی تشکیل شود

اصل پنجم کمیته اقتصاد شرق آرزوی خود را در تشکیل کنفره شرق مرگب از نمایندگان مالی و دول مشرق زمینی بکوش طالبان میرساند و در اجرای این نیت بذل جهد مینماید

اصل ششم کمیته اتحاد شرق برای استحکام مبانی استقلال بانام معنی ایران کوشش خواهد نمود باین در تکمیل و تنظیم قشون و اصلاح ادارات مملکت و نقصان مخارج غیر ضروری دولت واستفاده از منابع طبیعی ثروت وآسپس مؤسسات اقتصادی برای تأمین زندگانی بیکاران زیاده از هر چیز مساعد مینماید

اصل هفتم کمیته اتحاد شرق مقدمتر از هر چیز حفظ استقلال بانام معنی ایرانرا منظور نظر قرار داده و مینماید و در عین حال طرفدار حسن روابط بانام دول مقابله بوده در تشدید مناسبات حسنه بذل مساعی جمیه مینماید

اصل هشتم کمیته اتحاد شرق برای آمال عملی خود در تشکیل هیئت دولت نظارت کامل نموده و مینماید تا زمامداران توانائی از عناصر لایق و موافق باسرام خود در راس قوای اجرائیه منصوب نمایند

اصل نهم اصول ششگانه فوق الذکر کلیات آرزوی عملی کمیته اتحاد شرق میباشد و در آیه حقایق و مفهوم معنوی هر یک از آنها را قلم و لسانا کوشند نامه مینماید

طهران کمیته اتحاد شرق

ترجمه علی صادقی

سارقه عشق

- ۹۳ -

در هر صورت مسیو رابوود یکی از آن مردمانی بود که قاعده خوردن و آشامیدن و زودگانی خوب را فهمیده و شخص احقری نبود بدلاوه مشار الیه یک شخص بان تجربه ای بوده و مخصوصاً در موقع نشستن هیچ حرکت استهزا آوری نداشت و رابوود وقتیکه نشانی زن را داخل اطباق نقاشی کرده بود یا هزار زحمت روی

او هوئی باباصحیح است . . او هوئی باباصحیح است . .

رئیس - اقامت پنجسال است . . توطن هم حلال است . . وکالت قوی فال است . . . سرم قوی جوان است یک مرتبه آن حضرت متانت بجنب و جوش و حرکت افتاد چشمهای اعضاء از حدقه بیرون آمد کواهاشک شد و فریاد او هوئی باباصحیح است . . او هوئی باباصحیح است فضای اطراف را گرفته بود و در همان این جوش خروش پنجسال اقامت یا توطن در محل ضمیمه قانون انتخابات گردید

درین بین یک نفر وکیل گردید کلفت باسپیل های بر پشت ریخته و آویخته و شکمی فوق العاده قطور بطوریکه شکمش پیش از خودش وارد شد داخل در جمع گردید . باجشم مای دریده از زیر دو ناله استکان که باندی بهم پیوند کرده و پرروی چشمها گذارده مانند اشخاص چرس کشیده باطراف نظری افکند وقتی که از موضوع مطلع گردید بدن سنگین اخود را که از فرط پر خوری مثل بدن کاهوش شده بود بحرکت آورد جراحی زد عیا و قبا را بطرفی انداخت دست ها را بالا برده شروع به بشکن زدن نمود و ازین سر مجمع بان سر مجمع شانک زده اعضای خود را تکان داده و میان صدای ضرب و کف زندها و او هوئی باباصحیح است سایرین بخواندن این ترانه مشغول شد

من وکیل ! من وکیل ! باز وکیل ! سایرین - (او هوئی باباصحیح است !) وقت خوردن همه شیرم ! آی وکیل ! باز وکیل !

از وکالت من نه سیرم ! آی وکیل ! باز وکیل ! سایرین - (او هوئی باباصحیح است !) قوی مجلس من بخوانیم ! هی بخوانیم ! باز بخوانیم !

بهر خوردن چون دوا بود ! آی دوا بود ! باز دوا بود ! سایرین - (او هوئی باباصحیح است !) فکر ملت من بناشم ! داد مظلوم من نخواهم ! باز نخواهم !

من وکیل پول پرستم ! از عشق پول من چه مستم ! فکر ملت من بناشم ! داد مظلوم من نخواهم ! چون وکیل باز وکیل !

سایرین - او هوئی باباصحیح است او هوئی باباصحیح است

یکی از صدابها انداخته وگفت : - آقای من شخصی عکسه مثل من برده باشد آیا میتواند این همه پله را صعود نماید ؟ در اینحال ماریان ژوستین نظر مختبانه ای مابین خود ردوبدل کردند - ماریان طرف راست شوهرش رفته و گفت : - من وزوستین در موضوع یلندی خانه مسبو پول بابشان خیل شوخی کردیم بیشتر از این دیگر خوب نیست . ژوستین هم طرف بلژی چپ برادش ایستاده وگفت : - تفصیل آمدن خود را تعریف کن اما شکایت نکن . رابوود پس از اینکه بایک نگاه نیم آمیزی بخانهها نگاه کرد بطرف پول متوجه شده چنین گفت :

- آیا ممکن است کسیکه شکم مرا داشته باشد پس ازینلا آمدن این همه پلهها شکایت نکند ؟

پول تقسیم نموده و چنین جواب داد :

- راست میگویند آقای من حالا وظیفه من اینست که چیران این اشقیه غیبه عمدی خود را بنمایم . مایلید چیزی میل بفرمائید ؟ ایمنواک خبلی خوبی دارم . داره رابوود اگرچه دهانش را برای حرف زدن باز نمود ولی بواسطه فشاریکه از طرف خواهرش بیازوی چیش وارد شد زبان بیچاره شکم گنده هفت سرتیه تو

دهانش تکان خورده وکلمات ذیل را بالاخره ادا نمود :

- نشکر دارم آقای من ! در آیه از لیمونادان هم صحبت میکنیم زیرا حالا کار مهمتر از آن را داریم . عیال من از قراریکه بدن بیکت تصمیم نموده است

عکس او را جنابالی بکشد . آیا قرار داد اینمسئله انجام گرفته است یاخبر ؟ پول - چرا تا اندازه ای انجام گرفته است .

ماریان - بطور ؟ من کجا میتوانم تمام شده رفته است . زیرا بشما قول دهم روشنائی لازمه وسایر چیز های مربوط به نقاشی در منزل ما موجود است

(بشوهرش) آیا چنین نیست عزیز من ؟ طسه اطاق داریم وتمام آنها بقدر کار دارای روشنائی هستند .

رابوود - آری مخصوصاً اطاق خواب زوجه ام . (بهاریان) اطاق خود دارای روشنائی کاملی است ماریان عزیزم ! برای اینکه من هم سابقا باکار نقاش اشتغال داشتیم میدانم که برای رسم کشیدن چقدر روشنائی لازم است ودر اینخصوص

اطمینان کامل دارم که در خانه مانقاشی زحمتی ندارد . پول - مادام از نقاشی جنابالی مذاکراتی باینده کردید .

رابوود - آری بنده از شاکردان (آیل دوپوژول) هستم کرجه این آست مثل (میشل آرز) از نقاشان معروف نمیشد ولی بزه دارای اهمیت و معروفیاضاع

کاملی است . کمان میکنم پرده های ساده ویک رنگ او را دیده باشید . آنهادارای اهرامه قیمت همی میباشد آیا چنین نیست ؟

پول - آقا من ازاین قبیل رسها چیزی نمیفهم فقط رابوود - فقط از اقسام دیگرش هم بدتان نمی آید درست ! در این خیلی خوبست ! . . . آقای پول شما کجا تحصیل کرده اید ؟

پول - کرجه اسم معلم من شهرت پیدا نکرده است . او یکی از نقاشان بی اهمیت یکی از ولایات بود ولی بواسطه اینکه بنده از پنجسال باین طرف که

پاریس اقامت دارم رابوود - بطور ؟ شما پنجسالست در پاریس اقامت دارید ؟ دراین صورت چند سال دارید ؟

پول - بیست و نه . رابوود - بیست و نه ؟ آه منم وقتی بیست و نه سال داشتم (ژوستین

آتموقع مرا در خاطر داری که ماریان - (حرف او را بریده) عزیزم قدری سکوت کنید بگذارید

پول حرف خود را تمام کند (بنقاش متوجه شده) شما دو طرف این پنجسال اقامت تان در پاریس چه میکردید ؟

پول - پیش مسیو (دولافرا) تحصیل میکردم مادام . رابوود - پیش مسیو دولافرا ؟ ها این یکی از نقاشان بزرگ و معروفه

پس شما شاکرد او هستید ! بزرگ میکنم مسیو پول . آیا رشته کار شما بیک

یک از نوع نقاشی تاید میباشد ؟ بنظرم راجح بتاریخ است . زیرا شما که در زنگر دست چنین اسنادی کار کرده اید لابد همانطور خواهد بود . پیغمده من اشتغال

قسمت (فیکور) دل آدم را خفه میکند .

مطجمه مرکزی طهران